

ایران بیانیه اخیر ۳کشور اروپایی را گامی در مسیر رژیم صهیونیستی مبنی بر شکست مذاکرات دانست

بازی اروپا در ایستگاه بیانیه خوانی

گروه سیاسی/ خوشحالی زایدالوصف تل آویو از بیانیه ادعایی ترونیسکای اروپایی که در آستانه برگزار ی نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران منتشر شد، نشان می‌دهد که فرانسه، آلمان و انگلیس تا چه اندازه در مقام سه کشور اصلی طرف مذاکره با ایران به بیراهه رفته‌اند. مهم‌ترین نمود این رویداد در انتشار بیانیه‌ای دیده شد که درست در حساس‌ترین مرحله مذاکرات وین علیه همکاری ایران با آژانس منتشر شده است. رویکرد این سه کشور اروپایی در ایجاد اتهامات موهوم و بزرگنمایی عملکرد هسته‌ای ایران به گونه‌ای است که با مدلسازی عجیب و غریب به تحلیل و پیگیری تحولات جاری در زمین وین و همچنین روند همکاری ایران و آژانس نشسته‌اند. این کشورها بدون آنکه احساس مسئولیتی نسبت به تبعات و عواقب انفعال و کم‌کاری خویش در قبال کارشکنی امریکا در قالب مذاکرات جاری داشته باشند، زبان به مواخذه ایران گشوده‌اند و اینگونه القا می‌کنند که اساسا این ایران است که با عدم همکاری با آژانس، مسئول توقف گفت‌وگوها شده است.

■ **آژانس؛ یک رمای ترونیوکا و امریکا**

نخستین خطای تحلیلی این کشورها در فقدان اراده و توان لازم به منظور پیگیری اقدامات موازنه‌ای در برابر عهدشکنی بگرامی امریکا نمایان شد و خطای دوم اینک در شنترادگی آنها برای اقرار گرفتن در جبهه متحد امریکا و رژیم صهیونیستی برای تحت فشار قرار دادن ایران در مرحله سرنوشت‌ساز مذاکرات دیده می‌شود. سه کشور اروپایی که در بیانیه خود ادعای عدم شفاف‌سازی ایران پیرامون شماری از مکان‌های اعلام نشده را بهانه موضعگیری غیرمتعارف خود قرار داده و در این مسیر راه افراط در پیش گرفته‌اند، می‌کشوند دامنه

«ایران» از یک بام و دو هوای رسانه فارسی زبان دستگاه سلطنتی انگلیس و برخی رسانه‌های داخلی پس از مرگ الیزابت دوم گزارش می‌دهد

مادر از دست داده!

گروه سیاسی/ یک ماه قبل بود که بی‌بی‌سی فارسی با استناد به ادعاهای پوچ و سیاست‌زده یکی از سران فتنه سال ۸۸ مدعی شد ایران به سمت حکومت موروثی پیش می‌رود. رسانه فارسی‌زبان هیأت حاکمه انگلیس در حالی این ادعا را مطرح کرد و برای آن برنامه‌های متعددی روی آنتن و وبسایت خود برد که هر روز در مذمت احتمال موروثی شدن حکمرانی در ایران به شانتاژ رسانه‌ای می‌پرداخت.

این ادعای کذب علیه ایران در حالی بود که شاید دست‌اندرکاران این شبکه تصور نمی‌کردند چند هفته بعد با لباس‌های مشکی روی آنتن این شبکه در مدح دیکتاتور انگلیس و همچنین به ارث رسیدن سلطنت به فرزند ملکه الیزابت دوم به تولید محتوای غیرواقعی مشغول شوند و این استاندارد دوگانه را به نمایش بگذارند.

■ **قطع همه برنامه‌ها**

چهار روز قبل ملکه الیزابت دوم در سن ۹۶ سالگی و پس از هفت دهه حکمرانی، درگذشت و فرزندش چارلز سوم تاج پادشاهی این کشور را در سن هفتاد سالگی بر سر گذاشت. تمام صفحات سایت رسمی بی‌بی‌سی فارسی، عربی و حتی هندی، کلیه فعالیت‌های خود را در چند روز گذشته تعطیل کردند و به تمجید از عملکرد هفتاد ساله سلطنت الیزابت دوم، مزیت‌های نظام سلطنتی و حکمرانی این خاندان سلطنتی اختصاص دادند. جالب آنکه کشورهای مختلف که با زبان آنها این خبررسانی‌ها انجام می‌شود بیشترین تنفر را از انگلیس‌ها دارند. مردم ایران در طول حکمرانی ملکه انگلیس شاهد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت‌های آشکار از رژیم پهلوی، جدایی بحرین از ایران، سنگ‌اندازی در مسیر انقلاب، حمایت از رژیم بعث عراق در حمله به ایران و تحریم‌های ظالمانه و همچنین دخالت در امور داخلی

باز نگه داشتن هرگونه امکانی برای محافل غربی- صهیونیستی برای اتهام‌زنی دوباره از طریق اسناد واهی و مجعول علیه صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز کشور بود.

■ **تقویت محور امریکایی- اسرائیلی**

پاسخ نهایی ایران به پیشنهادات روی میز چنان ابعاد غیر قابل بحثی حتی برای طرف‌های اروپایی داشت که آنها ناگزیر شده‌اند موضوع همکاری ایران و آژانس پیرامون موضوعات ادعایی را به فرصتی برای تقویت مواضع محور امریکایی- اسرائیلی تبدیل کنند. از این رو سه کشور اروپایی در مواضعی پیش‌دستانه، دستیابی به هر توافق احتمالی را به حل‌وفصل کامل مشکلات جاری ایران و آژانس منوط کرده‌اند. این چنین بود که «پائپر لایپد»، نخست‌وزیر رژیم موقت صهیونیستی با قوق‌زدگی از موضع فرانسه، آلمان و انگلیس در قبال احیای توافق هسته‌ای با ایران قدردانی کرد. او اما با این ادعا که تل‌آویو در ماه‌های اخیر گفت‌وگوهای فشرده‌ای با این کشورها داشته و به آنها اطلاعات جدیدی درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران در

تعدادی از سایت‌ها داده است، عملاً بر این واقعیت صحه گذاشت که پرونده‌های ادعایی آژانس و شورای حکام علیه ایران تا چه اندازه تحت تأثیر جریان‌سازی مقام‌های صهیونیستی قرار گرفته است.

■ **امروز؛ نشست شورای حکام**

همه این تحولات در حالی صورت گرفته است که نشست شورای حکام آژانس از امروز (دوشنبه) در وین آغاز می‌شود و مدیرکل آژانس در گزارش اخیر خود به شورای حکام مدعی شده که ایران اقدامی برای برطرف کردن ابهام بازرسان درباره سه مکان آلوده به اورانیوم انجام نداده است. آژانس ادعا کرده پس از بررسی و نمونه‌برداری محیطی در سه مکان مورد اشاره آژاری از اورانیوم یافته است. در حالی که رسانه‌های غربی گمانه‌زنی‌ها پیرامون دستور کار این نشست را با محوریت ایران آغاز کرده‌اند، یک سخنگوی وزارت خارجه امریکا در گفت‌وگو با صدای امریکا در مورد بیانیه هشدارآمیز سه کشور اروپایی مدعی شد امریکا نیز با سه کشور اروپایی موافق است که نباید احیای بگرام مشروط به مخومه

■ **دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۱**
■ **سال بیست و هشتم**
■ **شماره ۸۰۰۳**

این بیانیه باید مسئولیت آن را برعهده بگیرند. ناصر کنعانی درواکنش به بیانیه اروپایی با ابراز تعجب از اینکه در روند تعاملات دیپلماتیک و تبادل پیام بین طرف‌های مذاکره‌کننده و هماهنگ‌کننده، سه کشور اروپایی در اقدامی انحرافی و به دور از رویکرد نتیجه‌بخش در مذاکرات، اقدام به صدور چنین بیانیه‌ای کرده‌اند، افزود:

«باعث تأسف است که سه کشور اروپایی با این بیانیه نسنجیده، گام در مسیر رژیم صهیونیستی مبنی بر شکست مذاکرات گذاشته‌اند و بدیهی است در صورت تداوم چنین رویکردی، باید مسئولیت نتایج آن را نیز بپذیرند.»

سخنگوی دستگاه دیپلماسی با

بیادآوری این موضوع که پیشرفت مذاکرات در بسیاری از مقاطع از جمله مقطع اخیر، نتیجه حسن نیت، ابتکارات و ایده‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است، به طرف‌های اروپایی درباره تأثیرپذیری از فضاسازی طرف‌های ثالثی که از ابتدا مخالف روند مذاکرات بوده و اکنون نیز با همه توان به دنبال به شکست کشاندن مذاکرات هستند، هشدار داد.

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در واکنش به این بیانیه ضمن توصیه به اروپایی‌ها برای جبران عدم عمل به تعهدات متعدد خود در درباره ایران را ناپهنگام دانست و نوشت: «واقعاً بسیار ناپهنگام بود. دقیقاً در لحظه حساس گفت‌وگوهای وین و در آستانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی». این بیانیه هم‌طورف‌های اروپایی در دیپلمات روس پیش از این هم نسبت تصور می‌کنند تهدید و تحریم می‌تواند به تصویب هر گونه قطعنامه علیه ملت ایران را از پیگیری حاکمتری حقوق و تأمین منافع خود بازدارد.»

کنعانی در نهایت تصریح کرد: «ایران همچنان برای نهایی کردن توافق، اراده و آمادگی داشته و بر این اعتقاد است که در صورت وجود اراده لازم و پرهیز از اثرپذیری از فشارهای خارجی، امکان دستیابی سریع به توافق وجود دارد.»



شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی |

اعلام‌کردن تحقیقات آژانس پیرامون این موضوعات باشد.

■ **اعتراض مسکو**

بیانیه اخیر اروپا علیه ایران چنان تند بود و در ضدیت با فضای حاکم بر روند مذاکرات قرار داشت که روسیه به عنوان یکی از کشورهای طرف مذاکره توان به دنبال به شکست کشاندن مذاکرات هستند، هشدار داد.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران همچنین غیرسازنده سه کشور اروپایی را گامی در مسیر قطعنامه مذاکرات، توصیف کرد و گفت که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، کشورهای صادرکننده

ایران» از یک بام و دو هوای رسانه فارسی زبان دستگاه سلطنتی انگلیس و برخی رسانه‌های داخلی پس از مرگ الیزابت دوم گزارش می‌دهد

مادر از دست داده!



اظهارنظری در این زمینه خودداری می‌کند؛ اقدامی که خلاف نزاکت سیاسی و عرف بین‌الملل است. همزمان رسانه‌های حکومتی با الفاظی سخیف از ملکه بریتانیا یاد می‌کنند.» سایت ایندپندنت نیز در گزارشی با عنوان «دیپلماسی پیام تسلیت و آبروی به گروگان گرفته شده ایرانیان» آبروی ایرانیان را در گرو سوگواری برای مرگ ملکه انگلیس معرفی کرد. در این مطلب که فردی ایرانی با نام جمشید بزرگر نوشته، با اشاره به عدم صدور پیام تسلیت توسط دولت انگلیس در زمان رحلت اسام خمینی (ره)، آمده است: «در پی درگذشت ملکه الیزابت دوم، رهبران جمهوری اسلامی، احتمالاً به بهانه رفتار متقابل دیپلماتیک و نیز به سودای سودجویی از روحیه ملی‌گرایانه مردمی که با رفتارها و مداخله قدرت‌های خارجی در مسائل داخلی ایران در قرون گذشته مخالف هستند، از ارسال پیام تسلیت

با وقاحت تمام ترویست می‌خوانید. شما آیین سوگواری ملت‌تان را در مناسبت‌های مذهبی پیوژه محرم و صفر به سخره می‌گیرید. آن وقت در ایام سوگواری ملکه حتی موزیک تیتراژ برنامه خبری‌تان را پخش نمی‌کنید! حتی با گوش خودم شنیدم یکی از خانم‌های به اصطلاح کارشناس سیاسی‌ها در یکی از بخش‌های خبری‌تان گفت: الیزابت دوم فقط ملکه برتتانيا نبود، او ملکه جهان بود!

دارد به کجا می‌روی؟»

■ **حمله به ایران برای گریه نکردن بر جنازه ملکه**

دیگر رسانه‌های فارسی زبان بیگانه نیز با حمله به کشورمان عدم صدور پیام تسلیت از سوی تهران را مورد هجمه رسانه‌ای قرار دادند. رسانه سعودی ایران اینترنشنال در مطلبی نوشت: «دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر خبر درگذشت ملکه بریتانیا، سکوت اختیار کرده است و منطقه از چنگ داعش خونخوار بود،

واکنش نشان دهد و در مطلبی با عنوان «خانم‌ها، آقایان شما ایرانی هستید!» بنویسد: «پس است دیگر! اختیار وضعیت وخیم اقتصادی و بی‌خانمان‌های انگلیس را پوشش نمی‌دهند، مدعی شده بودند رسالت این شبکه مسائل مربوط به ایران است و اتفاقات داخل این کشور را دربرنمی‌گیرد، اما روزهای اخیر سندی بر رسوایی این استدلال کودکانه شد و رسانه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی اکثریت قریب به اتفاق گزارش‌ها و تولیدات خود را به اخبار مربوط به مرگ ملکه اختصاص داد.

■ **وقتی مجری‌ها احساساتی می‌شوند!** گزارش فوق احساسی با تیتراژ «درگذشت ملکه الیزابت دوم؛ این لحظه‌ای است که تاریخ متوقف می‌شود» یکی از نمونه‌های این اتفاق است. همین‌ها باعث شد افشین علا، شاعر و نویسنده در یادداشتی به این حجم از پروپاگاندا و بزرگ کردن پادشاه انگلیس توسط این رسانه فارسی‌زبان

به این مناسبت خودداری کرده‌اند، اما این فقط تصویر اولیه از بن‌بست خود ساخته و خودخوانده است که جمهوری اسلامی بدید آواره و از این طریق آبروی ایران و ایرانیان و تاریخ و فرهنگ و اعتبار آنها را در عرصه جهانی به گروگان گرفته است.»

این خط خبری در حالی است که نه تنها ایرانیان که هزینه بالایی در قبال حنایت‌های ملکه انگلیس داده‌اند از مرگ او احساس ناراحتی ندارند، بلکه انگلیسی‌ها در زمان‌های مشابه همچون شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران در حادثه تروریستی سال ۶۰ نیز از ارسال پیام تسلیت امتناع کردند.

■ **«هم میهن» با ملکه**

روزنامه اصلاح‌طلب هم‌میهن نیز در مطلبی عجیب به تطهیر سلطنت پرداخت و با مقایسه ایران دوره پهلوی و انگلیس، از سلطنت هفتاد ساله ملکه الیزابت دوم تمجید و تعریف کرد. این روزنامه در سرمقاله‌ای با عنوان «هنر مشروطه ماندن» متنی را منتشر کرده است که به نظر می‌رسد کلمه به کلمه آن، حسرت از پایان دوران سلطنت دیکتاتوری موروثی در ایران بوده است. این مطلب با سرزنش پهلوی در خصوص نداشتن هنر سلطنت کردن، آورده است: «اواملکه الیزابت دوم هیچ‌کار نکرد، اما پادشاهی را نگه داشت؛ برخلاف شاه ایران که همه کار کرد و پادشاهی را به باد داد. او به سنت پایبند ماند، گرچه از نوسازی آن (حتی در آداب و مناسبات دربار) ابا نداشت. او به نام پادشاهی محافظه‌کارانه چنین بود که در برابر پیش‌بینی‌های مارکس، با برجا ماند.»

همه این موارد و موضع‌گیری‌ها در خصوص ملکه جنایت به خوبی نشان داد امپراطوری رسانه‌ای انگلیس و دلبستگی به آن تا چه اندازه در برابر عملکرد سلطنت در لندن متعصب بوده و حاضر به پوشش منصفانه واکنش مردم به خبر مرگ وی نیستند.

رسانه اصلاح طلب: ملکه به «رحمت خدا» رفت



«**خبر اول اینکه**، پوشش خبری مرگ ملکه انگلیس توسط یک رسانه اصلاح‌طلب سوزه فضای مجازی شد. کانال خبری اصلاحات نیز در تلگرام خبر درگذشت الیزابت دوم را با تیتراژ «ملکه انگلیس به رحمت خدا رفت» منتشر کرده بود. کاربران فضای مجازی با مقایسه نوع پوشش خبر فوت ملکه الیزابت و خبر درگذشت آیت‌الله ناصری در این رسانه، از خودباختگی جریان مدعی اصلاحات نسبت به انگلیس انتقاد کرده بودند.

لغافی پمپنو درباره حق حضور رئیس‌جمهور ایران در سازمان ملل

«**خبر دیگر اینکه**، وزیر پیشین امور خارجه امریکا در توثیتی درباره حضور رئیس‌جمهور ایران در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل لغافی کرد. به گزارش ایسنا، مایک پمپنو در حساب توییتری‌اش با طرح ادعاهایی واهی همچون اینکه «ایران در حال تلاش برای کشتن امریکایی‌ها در خاک امریکاست و به تازگی نیز از حمله علیه یک مخالف ایرانی در نیویورک حمایت کرده است»! از باییدن خواست از صدور روایتی برای رئیس‌جمهور ایران در سفر به نیویورک خودداری کند. ایده سیاستمداران امریکایی برای استفاده قلدرمآبانه از وجود مقر اصلی سازمان ملل متحد در خاک این کشور نخستین بار نیست که مطرح می‌شود. نخستین سخنرانی آیت‌الله رئیسی از جایگاه رئیس‌جمهور در سازمان ملل به دلیل شرایط کرونایی حاکم بر مجمع، به صورت مجازی انجام شد. با این حال امسال مطابق برنامه اعلام شده، قرار است رئیس‌جمهور ایران برای سفر به نیویورک و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل حضور یابد.

غرامت‌خواهی جاسوس‌های امریکایی بعد از گذشت ۱۰ سال!

«**شنیدیم که**، سه جاسوس امریکایی زندانی در ایران بعد از گذشت حدود یک دهه از آزادی، با ادعای واهی ربوده شدن در مرز ایران و اقلیم کردستان عراق و شکنجه شدن در زندان مدعی دریافت غرامت شدند! سارا شورد، شین بائر و جاشوا فتال، سه شهروند امریکایی بودند که همزمان با آشوب‌های انتخاباتی ناتسان ۱۳۸۸ به جرم ورود غیرقانونی به ایران، در مناطق مرزی بازداشت شدند. شورد شهرویر ۸۹ با تأمین وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی و دو تبعه دیگر نیز شهرویر سال ۹۰ آزاد شدند. سارا شورد پس از آزادی از رافت مقامات ایرانی قدردانی کرد. حال همزمان با اوج بحران مذاکرات رفع تحریم‌ها و با گذشت بیش از یک دهه از آزادی آنها، این جاسوسان شکایتی را برای دریافت غرامت از ایران مطرح کرده‌اند. پرونده‌ای که ریچارد لون، قاضی فدرال در واشنگتن به آن رسیدگی می‌کند. نکته مهم در پس این سناریوی جدید امریکایی‌ها آن است که دولت جو بایدن تحت فشار شدید رسانه‌های درونی امریکا قرار داشته و از هر دستاویزی به عنوان یک پروژه برای افقاع اقدام عمومی سیاسيون این رژیم علیه ایران استفاده می‌کند؛ چنانچه پیش‌تر با طرح ادعای فروش پهپاد به روسیه و حمله هکری به ابابانی به دنبال زمینه‌سازی جهت اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی برآمده بود تا از این حیث، ضعف مذاکراتی تیم خود را پوشش دهد و در انتخابات پیش‌رو، کارنامه قابل قبول رسانه‌ای ارائه کند.

گفتنی است، قاضی پرونده پیش‌تر در سال ۲۰۱۹ و در جریان رسیدگی به شکایت مشابهی از سوی جیسون رضائیان، روزنامه نگار دوتابعیتی «واشنگتن پست»، دولت ایران را بر پرداخت ۱۸۰ میلیون دلار غرامت محکوم کرد. غرامت‌های ادعایی که با حکم دادگاه‌های امریکایی‌ای محل دارایی‌های بلوکه شده ایران تأمین می‌شود؛ به نوعی به شیوه راهزنی امریکایی در مقابل آزاد کردن زندانیان و مبادله آنها با ایرانیان زندانی شده در امریکا تبدیل شده است.

برجام ربطی به روحانی نداشت مسئولیت آن با رئیسی است!

«**دست‌آخرا اینکه**، تحلیل‌های سطحی و سیاست زده اصلاح‌طلبان از وضعیت و چپستی برجام از فکاهی‌های این روزهای سیاست در ایران است. عباس عابدی که تحلیلگر سیاست داخلی است مدتی است که در خصوص مسائل سیاست خارجی نیز صاحب تخصص شده است. این عنصر نزدیک به دولت سابق با ادعای اینکه تقریباً احیای برجام قطعی شده بود همسدا با امریکایی‌ها توپ را در زمین دولت سیزدهم انداخت و نوشت: «حتی تاریخ امضای توافق نیز به قولی معلوم شده بود. هم ایالات متحده توافق کرده بود و هم مساله پادمان در ذیل یک تفاهم کلی و در قالب اعتماد متقابل و در آینده حل می‌شد.» وی در حالی خبر از حل شدن همه مسائل در توافقی می‌دهد که همچنان امریکایی‌ها تلاش دارند تا مساله ادعاهای سیاسی آژانس را به عنوان یک استخوان لای زخم نگه داشته و ظرفیت «بحران زی» بودن برجام را بالا ببرند، همچنین این تعهداتی را شفافی در طول مذاکرات پذیرفته‌اند که در برابر مکتوب شدن آنها طفره می‌روند. امریکایی‌ها در حالی شانه از بسته شدن پرونده‌های ادعایی علیه ایران خالی می‌کنند که همین مساله می‌تواند به اهرمی برای اعمال فشار بر کشورمان تبدیل شود و حتی در صورت حل و فصل شدن واقعی و به بهانه‌ای برای فعال‌سازی مکانیزم ماشه مبدل گردد. هر چند عباس عابدی و همچنین خارج گاه پاسخ داده‌اند که چرا در دولت مطلوب و مطبوع خودشان چنین توافقی با مشکلات ساختاری همچون مکانیزم ماشه را پذیرفته و برای تعهد بین‌المللی ایجاد کرده‌اند اما آنها استادان خوبی در مغالطه و خلط مباحث هستند.

عبدی در حالی در نوشتار اخیر خود آورده است که «مسئولیت اصلی برجام برعهده رئیس‌جمهور است» که قبلاً در مواجهه با نقض عهد امریکایی‌ها و شکست یکباره برجام تلاش داشت تا مسئولیت فرجام برجام را از دوش حسن روحانی برداشته و آن را به رهبر انقلاب نسبت دهد. حالا که رئیس‌جمهور پیشین قدرت را واگذار کرده او به یادآورده است که رئیس‌جمهور در این خصوص مسئولیت هم دارد! هرچند ایده‌آل اصلاح‌طلبان از یک رئیس‌جمهور در قبال هرگونه توافقی وجود فردی به عنوان ماشین امضای زیاده‌خواهی‌های غرب در برابر ایران است، دولت سیزدهم تلاش دارد تا جایگاه حراست بخش خود از منافع جمعی ایرانیان را اعمال کرده و با توافقی که رفع مؤثر تحریم‌ها، دریافت تضمین لازم و راستی‌آزمایی و همچنین خارج کردن اهرم سیاسی آژانس از دست غرب است به توافقی پایدارتر از گذشته دست یابد و تجربه خسارت بار پیشین بار دیگر تکرار نشود. گفتنی است ادعای برخی حامیان دولت سابق در خصوص نیاز به تصمیم‌گیری دولت سیزدهم برای سرنوشت برجام درحالی است که بسیاری از کشورهای عضو برجام همچون چین و روسیه نیز عامل تأخیر در مذاکرات را تعلل امریکا، انتخابات کنگره و ناتوانی دولت جو بایدن در تصمیم‌گیری سیاسی معرفی می‌کنند و مواضع و رویکرد ایران را سازنده و معقولانه توصیف کرده‌اند.